

کلاف سردرگم ناسیونال شونیسم در منطقه و زمینه سازان فاجعه

حل مسئله ملی در دوران امپریالیسم تنها می تواند بخشی از مبارزه انقلابی و ضدامپریالیستی جهانی و در خدمت مصالح جنبش انقلابی پرولتاریایی باشد. تنها برخورد انقلابی و مترقی به حل مسئله ملی از این منظر برای کمونیستها قابل حمایت است. لحظه ای که رهبری مبارزه ملی در دستان خون آلود ناسیونال شونیستها قرار گیرد آغاز فاجعه است. ناسیونال شونیسم قادر نیست خواستهای ایلی، مذهبی، پدرشاهی، فئودالی و سرمایه داری را تابع مصالح مبارزه طبقاتی و در خدمت آرمان والای سوسیالیسم حل کند. ناسیونال شونیسم عملاً در منجلابی که خود خلق کرده و به حفر عمیق آن دامن می زند غرق خواهد شد. ناسیونال شونیسم کور از تجارب تاریخی نمی آموزد و ملعبه دست ارتجاع باقی می ماند. پرچمداران نفرت ملی در فشار نفرت دست آموزان خویش له خواهند شد. این وظیفه کمونیستهاست که تبعاد فاجعه را نشان دهند و ریشه های آن را بر ملا کنند تا خلق کرد نیز بتواند روزی با حقوق متساوی در کنار سایر خلقهای منطقه با سربلندی زندگی کند و با دشمنان مردم منطقه امپریالیستهای تجاوزگر و فاشیست و صهیونیستهای نژادپرست به جنگد. آزادی خلق کرد در گرو این سیاست است.

دولت ترکیه در مقابل حملات حزب کارگران کردستان (پ کا کا) در ترکیه واکنش شدید نشان داد و ارتش خویش را به مرزهای جنوبی ترکیه در دیار بکر گسیل کرد و عملیات شدید و پراکنده ای را به خاک عراق آغاز نمود. سخن از یک ارتش صدهزار نفری، همراه با هوانیروز و تانک و توپ و خودروهای نظامی است. همین وسعت اقدام دولت اسلامی ترکیه جای این شبهه را باقی می گذارد که شاید هدف دولت ترکیه قبل از اینکه سرکوب "تحریکات حساب شده ای" باشد که در مرز ایران و ترکیه و عراق پدید آمده، انتقال ارتش ترکیه به مرزهای ایران در ارتباط با تجاوز نظامی احتمالی آمریکا باشد. احتمال دیگر ممانعت دولت ترکیه از تشکیل یک دولت مستقل کردستان در عراق و تجزیه آن است که با دست اندازی به چاههای نفت عراق، نفتی که روزانه بهای آن افزایش یافته و دولت ترکیه توانایی پرداخت آنرا در بازار آزاد ندارد به نیروئی بدل شود که بقاء ترکیه را به مصاف بطلبد. پیشنهادات محافل امپریالیستی آمریکا بر سر تقسیم جغرافیای سیاسی منطقه و ایجاد سه کشور جدید و فاقد توانائی زیست پایدار، آنهم مانند دوران استعمار کهن زنگ خطری است که دولت ترکیه را هراسان ساخته است. حتی ارتش ترکیه که هوادار آمریکاست می بیند که مسایل منطقه و ماجراجوییهای نظامی آمریکا و انگلیس به امر بود و نبود موجودیت ترکیه بدل شده است. این ارتش وابسته نتوانسته در پرتو این شرایط به متحد دراز مدت خود یعنی امپریالیستهای آمریکا و ناتو تمکین کند.

دولت اسلامی ترکیه از دولت دست نشانده عراق خواست که به فعالیت پ کا کا در خاک عراق پایان دهد و مانع شود که آنها از داخل خاک عراق به مبارزه مسلحانه و عملیات نظامی علیه دولت ترکیه اقدام کنند. این تهدید در واقعیت امر متوجه دولت کردستان عراق است که "خیال خام" استقلال کردستان را از سرش بدر کند. دولت اسلامی و یا دولت لائیک ترکیه هرگز زیر بار کشور مستقل کردستان نخواهد رفت. این حزب در داخل مناطق کردنشین عراق از دم و دستگاههای اداری و حمایت پنهان و آشکار سیاستمداران کرد برخوردار است. دولت عراق و امپریالیستها از هراس برخورد به این پدیده که عواقب خطرناکی می توانست برای آنها داشته باشد مسئله را به مسامحه و دفع الوقت گذرانند. همدستی با دولت ترکیه در سرکوبی پ کا کا توسط دستگاه اداری نو ظهور کرد در شمال عراق به مفهوم از دست دادن چهره سیاسی و محبوبیت آنها میان اکراد محسوب می شد و بی توجهی به خواست ناسیونال شونیستهای ترکیه با بستن راههای مبادله کالا و محاصره اقتصادی همراه با تحریکات سیاسی و سرکوب و تجاوز همراه بود که بی ثباتی دستگاه حاکمه عراق را تشدید می کرد. کردهای حاکم در

عراق با کردهای مسلح ترکیه که مراجع فتوای اولیها یعنی امپریالیستها و صهیونیستها، آنها را “تروریست” معرفی کرده بودند، همان برخوردی را نداشتند که با “تروریستهای” داشتند که برای آزادی عراق از زیر سلطه بیگانه می جنگیدند. سیاستهای اکراد در شمال عراق که نیت خویش را برای تشکیل یک کردستان بزرگ و همدست اسرائیل در منطقه می پوشانند در عمل مشکلاتی را فراهم می آورد که دیگر قابل استتار نیست. در منطقه کلاف سردرگمی از تضادهای پایدار و موقت پدید آمده است که تجاوز امپریالیستی به منطقه سرمنشاء بروز آن است.

تضادهائی که در منطقه پس از حمله امپریالیستها رشد کرده، در جهاتی کشیده می شود که برای خود امپریالیستها نیز همه جانبه قابل پیشگویی و مهار نیست.

تضاد میان دولت ترکیه و دولت خود مختار کرد در شمال عراق که وجودش به تقویت خواستهای ملت کرد در جنوب ترکیه منجر می شود.

تضاد میان دولت ترکیه با دولت ایران بر سر تجزیه ایران و قرار دادن ترکیه بعنوان پایگاه اسرائیل و آمریکا و اروپا برای تجاوز احتمالی و خرابکاری در ایران.

تضاد دولت ترکیه با ارمنه و خواستهای برحق آنها که اوج گرفتن آنها در کنار خواستهای کردها و بقایای یونانیها می تواند تمامیت ارضی دولت ترکیه را به خطر انداخته و این دولت را در زیر فشار اتحادیه اروپا و قدرت گرفتن اسلامیهتها و تضادشان با کمالیستها له و لورده کند.

تضاد دولت ترکیه با مبارزین انقلابی کرد و طبقه کارگر و کمونیستهای ترک در داخل ترکیه و سرکوب خواستهای دموکراتیک مردم ترک و سایر اقلیتهای قومی و مذهبی.

همدستی دولت ترکیه با امپریالیسم آمریکا در منطقه در پیمان ناتو و دادن پایگاههای نظامی به امپریالیسم آمریکا در جنوب ترکیه.

سیاست توسعه طلبانه پان ترکیستهای ترکیه در قفقاز و آسیای میانه و تحریک علیه فارسها، کردها و ارمنه در منطقه و ایجاد نفرت ملی برای ایجاد یک امپراتوری ترک در منطقه. در همین رابطه حمایت از ناسیونال شونیستها آذری برای جدائی از ایران.

همدستی دولت ترکیه با صهیونیستهای اسرائیل و در این رابطه تسلیم دسیسه ها و توطئه چینیههای اسرائیل در منطقه شدن و مستمرا مورد تهدید شانتاژهای این کشور قرار داشتن که اهرمهای فشار فراوانی برضد ترکیه در دست دارد. واقعیت آن است که همدستی با اسرائیل عامل تضعیف و نه تقویت دولت ترکیه است.

همدستی صهیونیستها با رهبران اکراد عراق و ایران و با گروه پژاک بخش ایرانی کردهای پ کا کا برای خرابکاری در ایران و ایجاد یک اسرائیل دوم در منطقه. خرید زمینهای کردستان در اراضی نزدیک مرز ایران توسط کردهای واقعا یهودی و یا با هویت جعلی که از اسرائیل وارد کرده اند. دامن زدن به این تئوری ارتجاعی که گویا کردها از نظر سابقه مذهبی یهودی بوده اند. تقویت محافل کرد در آمریکا جهت آموزش آنها و ایجاد اردوگاههای کرد نشین که با محافل سازمانهای امنیتی آمریکا در ارتباطند برای آموزش و اعزام آنها به منطقه برای تقویت اسرائیل و سیاستهای راهبردی آتی امپریالیستها.

همدستی رهبران کرد با امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا برای تجاوز به خاک عراق و سرکوب مبارزه میهن پرستانه مردم عراق. همدستی رهبران کرد در قتل عام مردم غیر کرد برای کشیدن تنها گلیم کردها از آب به بیرون به بهانه “حق تعیین سرنوشت خلق کرد” به بهای قتل عام هر چه غیر کرد(درک نژاد پرستانه از مسئله ملی).

ایجاد نفرت ملی در منطقه علیه ملت های فارس، ترک و عرب و ترکمن و بویژه دشمنی با بخشهای شیعه مذهب و سنی مذهب غیر کرد در عراق. دسیسه چینی برای تجزیه عراق.

مخالفت دولت ایران با اسرائیل و آمریکا و در عین حال همدستی آنها با رژیم دست نشانده عراق و جمهوری خودمختار کرد که با یاری امپریالیستها و صهیونیستها بر سر کار آمده است. همدستانانی رژیم ایران و ترکیه در سرکوب مبارزات انقلابی خلق کرد که رهائی خلق کرد را در رهائی از ستم امپریالیسم و صهیونیسم نیز می دانند.

حمایت امپریالیستها و صهیونیستها از دولت دست نشانده عراق و حمایت از دارودسته جلال طالبانی و بارزانی همچون ستون پنجم تجاوز امپریالیستها به عراق و تبدیل کشور مستقل عراق بیک مستعمره امپریالیستها. به مفهوم دیگر نقض حق تعیین سرنوشت خلق عراق و لگدمال کردن آن تا ناسیونال شونیستهای کرد از “حق خود تعیینی سرنوشت” برخوردار شوند.

طبیعتاً صهیونیستهای اسرائیل در پی تجزیه عراق و ایران و ترکیه هستند تا ممالک اسلامی را در منطقه تضعیف نمایند و موجودیت دولت صهیونیستی اسرائیل را در منطقه که چون دملی چرکین سرپل امپریالیسم در منطقه است بدر از ا بکشانند. تضییق حقوق ملت کرد در این مدت توسط هیات های حاکمه ارتجاعی که خودشان مدت ها همدست آمریکا بودند و یا هستند، به دست صهیونیستها که خود حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین را با سرنیزه بطور وحشیانه سرکوب می کنند، بهانه ای داده است تا بیاد دلسوزی برای اکراد بیافتنند و برای حقوقشان اشک تمساح بریزند.

صهیونیستها همزمان هم متحد کردهای ناسیونال شونیست و هم متحد ناسیونال شونیستهای ترک هستند. آنها به کردها هم پول و هم اسلحه و هم آموزش می دهند و جاسوسان آنها در منطقه پخشند. طبیعتاً برای آنها ممکن نیست که بر کاربرد این سلاحها و نوع تقسیم و توزیع آن نظارت کنند. بازار فروش اسلحه داغ است و بخشی از آنها نیز بدست پ کا کا می افتد که با دولت ترکیه در پیکار مسلحانه قرار دارد. این اقدام موجبات خشم ترکیه را فراهم می کند و برای حفظ منافع ترکیه به واکنش و می دارد که در عمل به تضعیف سیاست امپریالیستها و صهیونیستها در منطقه منجر می شود. ارتجاع منطقه برای استفاده از اوضاع بلشویکیه امپریالیستها خلق کرده اند در پی استفاده از بی ثباتی منطقه بنفع خویش هستند. تجاوز آشکار ترکیه به عراق تضعیف دولت عراق و بویژه حکومت دست نشانده کرد را بدنبال دارد و این نه باب میل آمریکا، اسرائیل و نه باب میل ایران است. در عین حال استدلال ترکیه نیز استدلال قدرتمندی است زیرا مدعی است که سربازانش توسط “تروریستهای” کرد که هم از نظر اتحادیه اروپا و هم از نظر آمریکا رسماً “تروریست” محسوب می شوند مورد تجاوز قرار گرفته و دولت عراق با بی توجهی نسبت به تروریسم، تمامیت ارضی ترکیه را مورد تجاوز قرار داده است و لذا دولت ترکیه پیشگیری از عملیات “تروریستی” و سرکوب پ کا کا را از وظایف مبرم و ملی خود می داند. کار دولت ترکیه اقدامات پیشگیرانه و یا بازدارنده است. سخنان اردوغان تفاوتی با سخنان جرج بوش ندارد. این ترکیه است که مورد تهاجم “تروریسم” قرار گرفته و قربانی تجاوز “تروریسم” است و حال مجبور است برای دفاع از تمامیت ارضی خویش به خاک عراق حمله کرده و “تروریستها” را سرکوب کند. بغرنجی اوضاع منطقه ناشی از منافع ریشه دار و دائمی متضاد گوناگون و توافقات مصلحتی موقت و گذرای روز است.

دولت ترکیه که شاهد است اکراد ناسیونال شونیست کرد از جانب اسرائیل و آمریکا حمایت می شوند پاسخی برای ملت خود ندارد که به چه مناسبت با اسرائیلیها قراردادهای امنیتی و همکاری امضاء کرده و خاکش را جولانگاه جاسوسان اسرائیلی قرار داده است. وی توضیحی ندارد که به چه مناسبت در پیمان ناتو است و متحد طبیعی آمریکا در منطقه به حساب می آید ولی دولت آمریکا برای پیشبرد منافع خویش برای وی تره هم خورد نمی کند و کار تعیین تکلیف در برخورد به منازعات مرزی که بحث اش مدت ها آغاز شده، را بدر از ا و دفع الوقت می کشاند تا در نتیجه این اهمال کاری ناشی از ترس دودش به

چشم ترکها رود. این نشانه بی نقشی و سردرگمی آمریکاست از ضرباتی است که در عراق و افغانستان از مبارزه مردم نوش جان کرده است.

حال برای مهار وضعیت بحرانی که امپریالیستها صهیونیستها در منطقه ایجاد کرده اند وزیر امور خارجه عراق و آمریکا با هیات های نمایندگی ممالک ذینفع در منطقه سریعاً خویش را به آنکارا رسانده اند تا از انفجار منطقه پیشگیری نمایند. کمترین ضرر در شرایط فعلی برای طرفین سرکوب کردها بدست کردهاست. باز باید خلق کرد در پای منافع تنگ نظرانه و ارتجاعی ناسیونال شونیسم که به خیال خودش می خواهد تنها گلیم خودش را از آب بیرون بکشد قربانی شود. از این طریق فعلاً میشود به “آرامش” موقت منطقه یاری رساند تا تمام اهرمها غافلگیرانه از دست امپریالیستها در نرود. مبارزه مردم قهرمان ترکیه بر ضد امپریالیستها و صهیونیستها که عراق را به خاک و خون کشیده اند، پاره پاره کردن تصاویر کوندلیزا رایس و آتش زدن مجسمه وی در آنکارا و شهرهای بزرگ ترکیه در هنگام ورود او موجی از نفرت ضد امپریالیستی را علیه آمریکا ایجاد کرده است. رسانه های گروهی و دروغگو و سانسورچی “دموکرات” غرب صدای این مبارزات را برای فریب افکار عمومی پژواک نمی دهند. وحشت از چشمان خانم رایس می بارید وی کردها را مجبور خواهد کرد که راه کمترین مقاومت را بروند و سر گردهای همولایتی خویش را بیژند تا امپریالیستها نجات پیدا کنند. شاید این فاجعه تجربه ای باشد تا چشمان ناسیونال شونیستها باز شود و به جبهه مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلقهای منطقه باز گردند.

در عین حال این وظیفه نیروهای انقلابی ترکیه است که مانع شوند ناسیونال شونیستهای ترک به نفرت ضد کرد دامن زنند و جهت مبارزه ضد امپریالیستی را منحرف کرده و حل صحیح مسئله ملی را به نفرت و برادر کشی میان کرد و ترک بدل کنند و توجه را از دشمن مشترک امپریالیسم و صهیونیسم منحرف نمایند.

وضعیت ناسیونال شونیستهای گرد بکلی مسخره و غم انگیز است. آنها که به حق از تجاوز ترکیه به خاک عراق (بخوانید کردستان عراق- توفان) از کوره در رفته اند و این امر را غیر قانونی و مغایر بیمانه های بین المللی اعلام کرده و بر ضدش تظاهرات راه می اندازند در زمانیکه کشور مستقل عراق بطور غیر قانونی و مغایر بیمانه های بین المللی مورد تجاوز قرار گرفته بود لال بودند و به کار غیر قانونی امپریالیستها نه تنها اعتراضی نداشتند، بلکه با آنها نیز همکاری و همدستی می کردند. برای آنها تجاوز خوب است اگر به نفع آنها باشد. تجاوز بد است اگر به ضرر آنها باشد. برای آنها مبارزان میهنپرست عراقی که برای رهائی ملی مبارزه می کنند “تروریست” هستند ولی “تروریستهای” گرد بر مبنای نظر دولتمردان آمریکا و اسرائیل بیکباره مبارزان راه حق تعیین سرنوشت به حساب می آیند. دلیل آن این است که یکی عرب و مخالف آمریکا و دیگری گرد و همدست امپریالیسم و صهیونیسم است. ناسیونال شونیسم همیشه فاقد هر گونه اصولیت انقلابی است. ناسیونال شونیست سرانجام به نژاد پرستی و قوم کشی می رسد. آنها به اشغال سرزمینهای فلسطین اعتراضی ندارند و تجاوز اسرائیل را به لبنان محکوم نمی کنند و مشکلی با گرسنگی و تشنگی به مردم فلسطین در نوار غزه دادن هرگز ندارند و حتی آنرا بیرحمانه مورد تائید قرار می دهند و از آن خوشحالند. چون بنظر آنها از تعداد عربها کاسته می شود و این بنفع ناسیونال شونیستهای گرد است. ملاک ارزیابی آنها نه طبقاتی است و نه انسانی. ملاک آنها صرفاً علیرغم مظلوم نمائی، عمیقاً نژادی است. برای آنها گرد، گرد است و باید مورد تائید قرار گیرد حتی اگر مرتجع و سرکوبگر، همدست امپریالیست و یا صهیونیست باشد. همین دیدگاه ارتجاعی رهبران گرد است که حزب دموکرات کردستان ایران و کومله را بهمدست امپریالیستها در منطقه بدل کرده و آرزو می کنند با حمله به ایران و قتل عام همه ایرانیها این امکان را برای ناسیونال شونیستهای کرد بوجود آورند تا آنها “آزاد” شوند و به “حق خود تعیینی سرنوشت” بدست صهیونیستها

و امپریالیستها دست پیدا کنند. همین ناسیونال شونیستها بودند که از اشغال کردستان سخن می راندند و مدعی بودند بجای مبارزه برای آزادی ایران باید برای پایان دادن به اشغال کردستان فعالیت کرد. آنها کسب حق ملی خویش را وثیقه نابودی ایران کرده اند. برای آنها ارزش یک گرد مرتجع و فاشیست از یک عرب، ترک و یا فارس دموکرات و مترقی بیشتر است. طبیعتاً چنین جنبشی عمیقاً ارتجاعی و نژادی است و هرگز قابل دفاع نخواهد بود. نیروهای انقلابی باید با این ناسیونال شونیستها هم‌دست طالبانی و جرج بوش و نظایر آنها مبارزه کنند و ماهیت آنها را برای خلقهای منطقه بر ملا کنند تا خنجر آنها از پشت به کتف مبارزان راه آزادی طبقه کارگر فرو نرود.

حال پس از سفر اردوغان به واشنگتن دولت آمریکا موافقت کرده است که در سرکوبی نهضت کردها با دولت ترکیه هم‌دستی کند. به آنها اطلاعات امنیتی دهد و راه عقب نشینی جنگجویان پ کا را ببندد. تا قلع و قمع آنها میسر شود. دولت طالبانی کرد، مقرهای آنها را در شمال عراق تعطیل کرده است و برای فرار از توضیح برای مردم کرد مدعی شده است: امنیت مرزها در عراق بعهده نیروهای آمریکائی است. این سرکوبی در داخل خاک “کردستان آزاد” و تحت توجهات جلال طالبانی و بارزانی صورت می گیرد. حال باید کردهای “تروریست” را برای عدم سوء استفاده عربهای “تروریست” بدست کردهای در قدرت سرکوب کرد. این تجربه تلخ و ننگین ناسیونال شونیسم نژادپرستانه است که تنها هنرش در تبلیغ نفرت ملی ضد فارس، ضد عرب و ضد ترک است.

حزب کار ایران (توفان) بر مبنای اصول اعتقادیش تجاوز ترکیه به عراق را محکوم می کند. حزب کار ایران (توفان) این تجاوز را ناشی از ناسیونال شونیسم پان ترکیستها می داند. ولی حزب کار ایران (توفان) هرگز حاضر نیست تنها در نمایشات اعتراضی ای شرکت کند که فقط مخالف تجاوز ترکیه به عراق باشند و تنها یک نوع خاص از تجاوز را محکوم کنند. ما از آن نمایشات اعتراضی بر ضد تجاوز حمایت می کنیم که تجاوز امپریالیستها و صهیونیستها را به عراق و فلسطین و لبنان و تجاوز احتمالی به ایران را نیز محکوم کند. حزب ما از اپورتونیسم و ناسیونال شونیسم حمایت نمی کند و آنرا خطری مهلك برای خلقهای منطقه ارزیابی می نماید. حزب ما در عین محکوم کردن ناسیونال شونیستها ترک که بخاک کشور عراق تجاوز می کنند تنها از آن گونه نمایشات اعتراضی حمایت خواهد کرد که دفع این تجاوز را با دفع تجاوز بطور کلی به عراق پیوند زند. جنبشی که این کار را نکند خودش ناسیونال شونیستی و ارتجاعی بوده و قابل حمایت نخواهد بود. حزب ما سیاستی را که می کوشد مردم را به ابزاری برای تحقق سیاستهای نژادپرستانه بدل کند و قتل عام ملل را بنا به مصلحت ناسیونال شونیستی تائید کند محکوم می کند. رفقای حزبی تنها مجازند در آن نوع تظاهرات اعتراضی بر ضد تجاوز شرکت کنند که تجاوز را علی الاصول محکوم کند و نه تجاوز را به تجاوز خوب و تجاوز بد بدل کند و بدنبال مهر تائید از دیگران بگردد.

حزب ما معتقد است که جنبش مترقی و دموکراتیک مردم کردستان باید مبارزه محقانه ملی خویش را در همکاری و اتحاد با خلقهای منطقه که بهر تقدیر باید در کنار آنها زندگی کند، در مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم و ناسیونال شونیسم کور به پیش برد. تنها این سیاست است که موجب اعتماد عمیق خلقهای منطقه نسبت بیکدیگر شده و زمینه زندگی مشترک همه ملت‌های منطقه را بر اساس اصولی دموکراتیک و داوطلبانه فراهم می آورد. حزب ما از این سیاست حمایت می کند. ما خواهان جمهوریهای سوسیالیستی ایران هستیم که جمهوری سوسیالیست کردستان یکی از آنها خواهد بود. حزب ما بدون هراس و بدون دادن امتیازهای اپورتونیستی و مصلحتجویانه اپوزیسیون تقلبی ایران اعلام می کند که ناسیونال شونیسم به پرچمدار ارتش صهیونیستی و امپریالیستی در منطقه بدل شده است. نیروهای واقعا انقلابی باید برای ممانعت به موقع از گمراهی مبارزان، کارزار وسیع تبلیغاتی بر ضد تجاوز به ایران با شعار **“دست تجاوزگران از ایران کوتاه باد!”**، “سرنگونی رژیم سرمایه داری

جمهوری اسلامی تنها مربوط به خلق ایران است،، “تابود باد صهیونیسم و امپریالیسم” ایجاد کنند. نیروهای انقلابی باید نشان دهند که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تنها و تنها از روند مبارزه با اشغالگران و با تکیه به نیروی مردم ممکن است. راه دیگری جز این راه متصور نیست.

حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

www.toufan.org

آبان ماه هشتاد و شش - نوامبر 2007